

## بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خواف

سال سیزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

شماره صفحه: ۴۶-۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۸

موسی افزلیان سلامی<sup>۱</sup>

مسعود زمانی مقدم<sup>۲</sup>

اسماعیل صالحی<sup>۳</sup>

### چکیده

لازمه تحقق توسعه همه‌جانبه و پایدار، توجه و تأکید بر مشارکت اجتماعی به‌عنوان ابزار و هدف توسعه است. با این دیدگاه، در این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف، با توجه به شرایط خاص آن، پرداخته شده است. این عوامل عبارت‌اند از: سن، مذهب، تحصیلات، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی، سنت‌گرایی و احساس بی‌قدرتی. در چهارچوب نظری پژوهش از آرای دورکیم، پارسونز، راجرز، اولسن، دال، اینگلهارت، دوز و لیپست استفاده شده است. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای به‌دست آمده‌اند. جامعه آماری، شامل جمعیت فعال شهرستان خواف، یعنی ۵۵۴۰۵ نفر است. از این تعداد ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس، رگرسیون چندمتغیره، مدل تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که میانگین مشارکت اجتماعی پاسخگویان در حد متوسط است و متغیرهای استفاده‌شده در این تحقیق توانسته‌اند ۳۱٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. از بین عوامل مؤثر بر

salami\_2000@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه یزد

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، نویسنده مسؤول

masoudzmp@yahoo.com

sociology1391@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تحصیلات بیشترین تأثیر و مذهب و احساس بی‌قدرتی کم‌ترین تأثیر را داشته‌اند. در این تحقیق تأثیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی و سنت‌گرایی بر مشارکت اجتماعی، معنادار بوده و تأثیر سن، مذهب و احساس بی‌قدرتی بر مشارکت اجتماعی معنادار نبوده است. همچنین، در مدل تحلیل مسیر که با نرم‌افزار لیزرل رسم شده است، آثار مستقیم و غیرمستقیم اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی، سنت‌گرایی و تحصیلات توانسته‌اند ۴۰٪ از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین کنند.

**واژگان کلیدی:** مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، شهرستان خواف، سنت‌گرایی

### مقدمه

مشارکت<sup>۱</sup> مفهومی با پیشینه‌ای دیرینه است که همواره با زندگی جمعی انسان همراه بوده است؛ یعنی اساس زندگی انسان‌ها بر پایه‌ی همکاری و همیاری با یکدیگر استوار گردیده است. با وجود این از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد است که در پیوند با دموکراسی و جامعه‌ی مدنی، توجه ویژه‌ای به مشارکت شد. هم‌زمان با آن و در پی شکست برنامه‌های توسعه‌ی مبتنی بر رشد کمی، مشارکت اجتماعی به‌عنوان یکی از مباحث مهم توسعه، مورد بحث قرار گرفت. در واقع در توسعه‌ی مشارکت‌محور، مردم از حالت انفعال خارج و در فرایند توسعه دخیل می‌شوند. از این‌رو «واژه‌ی مشارکت طی چندسال اخیر، متون توسعه را تحت سیطره‌ی خود قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه به‌ندرت می‌توان سندی در مورد راهبردهای توسعه پیدا کرد که در آن به امر مشارکت، ارجاع نشود» (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۱۲-۱۱). پیوند و نزدیکی مشارکت و توسعه به اندازه‌ای است که «به‌زعم بسیاری از محققان، توسعه مترادف با مشارکت تعریف شده است و مشارکت عنصر کلیدی در توسعه محسوب می‌شود» (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳)؛ در نتیجه، با توجه به اینکه مردم، منابع و مشارکت سه رکن توسعه‌ی پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند

می‌توان گفت که «مشارکت عنصری کلیدی در فرایند توسعه‌ی پایدار تلقی شده و از آن به‌عنوان حلقه گمشده توسعه یاد می‌شود» (جمعه‌پور، ۱۳۸۲: ۱۲۳). با وجود این، نتایج سال‌ها تجربه نظام تمرکزگرا در ایران، بدون توجه به مشارکت مردمی، بیانگر هدر رفتن سرمایه‌های ملی و نارضایتی مردم از دولت بوده است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۰).

از سوی دیگر پیران (۱۳۷۶: ۳۶) به تناقضی مهم در مورد مشارکت ایرانیان اشاره کرده و معتقد است ایرانیان در عرصه‌های عمومی و اجتماعی، نامشارکت‌جو و در عرصه‌های خصوصی، محلی و مذهبی به‌شدت مشارکت‌جو هستند. از نظر او «ایرانیان در گستره‌ی تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و محرومیت از حقوق اولیه و شناخته‌نشده به‌عنوان شهروندان صاحب حقوق از عرصه‌های رسمی چشم پوشیده‌اند و حتی آگاهانه به تخریب چنین عرصه‌هایی پرداخته‌اند؛ برعکس در حیطة‌های غیررسمی، یعنی حیطة‌های خانوادگی، محله‌ای و مذهبی و در قالب صدها نهاد و سازمان غیررسمی، مشارکت ایرانیان فوق‌العاده بوده است. این ماهیت تناقض‌آلود مشخص می‌سازد که ایرانیان در حیطة‌ها و انجمن‌های رسمی و نهادهای صنفی به علت حاکمیت نظامی مستبد، کاملاً خودخواهانه عمل می‌کنند و برعکس در حیطة‌های غیررسمی، رفتاری کاملاً دیگرخواهانه تا مرز افراط و جان‌فشانی دارند».

به‌هرحال، از آن‌جا شکوفایی و توسعه‌ی یک جامعه ایجاد فضایی را می‌طلبد که در آن افراد با دیدگاه‌های گوناگون امکان مشارکت در حیطة‌های مختلف را داشته باشند و افراد و گروه‌ها در ارتباط تنگاتنگ با هم قرار گیرند و نیز با توجه به اینکه مشارکت عنصر کلیدی در تحقق توسعه است، خواه مشارکت را به‌عنوان ابزار و وسیله رسیدن به توسعه در نظر بگیریم و خواه از مشارکت به‌عنوان هدف توسعه یاد کنیم، برای رسیدن به توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، مشارکت اجتماعی در یک جامعه الزامی است. بنابراین، شناخت و سنجش مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به‌عنوان یک مسأله پژوهشی در جوامع مختلف مطرح می‌شود. این مسأله در جوامع در حال توسعه و سنتی مانند جامعه ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ بویژه در جوامعی مانند شهرستان خواف که دارای موقعیت ویژه‌ای هستند. این شهرستان ۱۲۳ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان

دارد؛ به لحاظ مذهبی، هم اهل تشیع و هم اهل تسنن در آن ساکن هستند. هویت‌های محلی و قومی نیز در این شهرستان تأثیرگذار است. علاوه بر این، جوانی جمعیت، بالا بودن درصد جمعیت روستایی، پایین بودن درصد اشتغال و مهاجرت از روستاها به شهرهای شهرستان، از ویژگی‌های عمده‌ی این شهرستان است.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی می‌توان گفت به دلیل تأکید رهیافت مشارکتی بر توانمندسازی، بیشتر پژوهش‌ها در روستاها صورت گرفته‌است. این پژوهش‌ها مشارکت را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بررسی کرده و رابطه متغیرهای مختلفی را با مشارکت سنجیده‌اند. در تحقیق حاضر از این پژوهش‌ها برای آشنایی با متغیرهای مهم مرتبط با مشارکت، بهره گرفته شده و عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف بررسی شده است. بررسی جامع این موضوع در شهرستان خواف تازگی دارد و به دلیل اینکه بافت اجتماعی و فرهنگی این شهرستان شهری-روستایی است، چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد.

### پیشینه پژوهش

کاسترو (Castro, 2001) در مقاله‌ای به مطالعه راه‌هایی که از طریق آن، حق مشارکت می‌تواند عملی شود، می‌پردازد. نتایج وی نشان می‌دهد که برای گروهی از کودکان تحرک اجتماعی عاملی است که دیدگاه آن‌ها را درباره تفاوت‌های اجتماعی نشان می‌دهد؛ در حالی که برای گروهی از جوانان، دسترسی نابرابر به درآمد، تحصیلات و سبک زندگی عامل اصلی تصور تفاوت‌های اجتماعی است.

اینگن (Ingen, 2008) در مقاله‌ای به تحلیل مشارکت اجتماعی در هلند بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ می‌پردازد. نتایج وی نشان می‌دهد افراد جوان‌تر فعالیت‌های بسیار کمتری در مشارکت رسمی بروز می‌دهند و در مقابل، بیشتر زمانشان را در فعالیت‌های غیررسمی بیرون از خانه صرف می‌کنند.

لی و دیگران (Lee, et al., 2008) در یک مطالعه رابطه بین مشارکت اجتماعی و سلامت را با متغیرهای سن و جنس در کره جنوبی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که برای هر دو جنس سلامت رابطه‌ای قوی با سطوح مشارکت اجتماعی در تمام

گروه‌های سنی داشته است و تأثیر مشارکت اجتماعی بر سلامت با افزایش سن، افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که سلامت زنان سالخورده‌ای که در بیش از دو فعالیت مشارکت داشتند، بیش از دو برابر زنانی بوده است که در هیچ فعالیتی مشارکت نمی‌کردند.

کوتن و گادت (Couton & Gaudet, 2008) به بررسی علل سطح پایین مشارکت اجتماعی بین مهاجران در کانادا پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها این موارد را نشان می‌دهد: اول، انجام فعالیت داوطلبانه رسمی و مشارکت اجتماعی گسترده، سطح یکسانی از تغییرپذیری را بین گروه‌ها [کانادایی‌ها و مهاجران] نشان نمی‌دهد. دوم، تأثیر مثبت خانواده در بین مهاجران مشاهده می‌شود و حضور بچه‌ها افزایش معناداری در تعهدشان نسبت به خانواده نداشته است. سوم، جنسیت مؤلفه‌ای قوی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که زنان کانادایی در مشارکت اجتماعی شباهت بیشتری با یکدیگر داشته‌اند؛ در حالی که زنان مهاجر به هم شباهت نداشته‌اند.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند که برخی از آنها در ادامه بررسی می‌شوند:

از کیا و غفاری (۱۳۸۰ الف؛ ۱۳۸۰ ب) رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را در نواحی روستایی شهر کاشان بررسی کرده‌اند. آن‌ها برای اعتماد دو سطح "اعتماد بین افراد" و "اعتماد به نهادها و سازمان‌ها" در نظر گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد بین دو متغیر انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

غفاری (۱۳۸۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل خاص‌گرایی، تمایل به همکاری گروهی، میل به پیشرفت، بیگانگی اجتماعی، استبدادپذیری، خوداتکایی، طایفه‌گرایی، نوگرایی، میزان دارایی خانوار، تحصیلات، مجموعه سال‌های تحصیلی در خانواده، نوع فعالیت شغلی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت از دولت و امکانات توسعه‌ای روستاها با متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان مشارکت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد.

تحقیق کوهی (۱۳۸۲) نشان می‌دهد نگرش‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایت

اجتماعی، بررسی‌های اجتماعی، آگاهی‌های اجتماعی، وضعیت تولید خانوار، نوع محصول تولیدی عمده، نوع شغل، بُعد خانوار و سطح سواد از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی‌اند. در این میان، متغیر انسجام اجتماعی و رضایت اجتماعی بیشترین و متغیرهای آگاهی‌های اجتماعی و بررسی‌های اجتماعی کم‌ترین سهم در تبیین مشارکت داشته است.

دهقان و غفاری (۱۳۸۴) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان پرداختند. در تحقیق آن‌ها ویژگی‌های شخصیتی در قالب متغیرهای عام‌گرایی، بیگانگی اجتماعی، آینده‌گرایی و موقعیت کنترل و اعتماد اجتماعی در دو سطح اعتماد بین‌فردی و اعتماد نهادی سنجیده شد. بر اساس نتایج تحقیق آن‌ها بیشتر متغیرهای مذکور با مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان رابطه دارند؛ اما در مجموع، توان تبیین آن‌ها زیاد نبوده است. به همین دلیل به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل فرافردی و کلان خارج از نهاد دانشگاه تأثیر قابل ملاحظه‌ای در میزان و چگونگی مشارکت اجتماعی دانشجویان دارد.

نتایج تحقیق موسوی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد، یعنی ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی و مشارکت اجتماعی تا حدی رابطه وجود دارد. بین خرده‌فرهنگ دهقانی و تمایل ذهنی به مشارکت نیز رابطه‌ای معنی‌دار، ولی منفی وجود دارد؛ یعنی هرچه افراد، خرده‌فرهنگ دهقانی کم‌تری داشته باشند، تمایل ذهنی بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند.

یافته‌های تحقیق کردی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد میزان تحصیلات زنان نقشی اساسی در مشارکت اجتماعی آن‌ها دارد؛ به طوری که ویژگی‌های اجتماعی دیگر مانند وضعیت تأهل، قومیت و نوع مذهب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. قومیت‌های متفاوت در نگرش زنان به مشارکت تفاوتی ایجاد نکرده و نوع مذهب نیز سبب نگرش متفاوت آن‌ها نشده است. همچنین تفاوت چندانی بین زنان شهری و روستایی، متأهل و مجرد و شاغل و خانه‌دار در این تحقیق مشاهده نشده است.

نتایج تحقیق یزدان‌پناه (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی رسمی، یعنی مشارکت داوطلبانه در سازمان‌های غیردولتی و مانند آن، در شهروندان مورد

بررسی، کم و بیشتر فعالیت‌ها در قالب کنش‌های غیررسمی مثل کمک به فقرا، شرکت در هیأت‌ها و غیره است. همچنین اکثر افراد بررسی شده، نابسامانی فردی و بی‌قدرتی را تجربه کرده و موانع زیادی را بر سر راه مشارکت اجتماعی داشته‌اند. همچنین هرچه میزان بی‌قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی، یعنی مشارکت داوطلبانه، آگاهانه و هدفمند افراد در جامعه کمتر می‌شود. علاوه بر این، موانع دیگری مانند موانع خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی نیز بر مشارکت تأثیر دارد.

نتایج تحقیق علی‌پور، زاهدی و شیانی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی در سه شکل متفاوت آن، یعنی اعتماد فردی، تعمیم‌یافته و نهادی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ گرچه میزان و جهت تأثیرگذاری این رابطه در هر مورد متفاوت است. همچنین از میان متغیرهای مورد بررسی، اعتماد تعمیم‌یافته و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها برای مشارکت اجتماعی به شمار می‌آیند.

یافته‌های پژوهش نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) حاکی از میزان مشارکت اجتماعی-سیاسی متوسط رو به پایین در شهرستان خدابنده است. همچنین همبستگی معنی‌داری بین متغیرهای مستقل، یعنی سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی-سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی و تقدیرگرایی با متغیر وابسته، یعنی مشارکت اجتماعی-سیاسی، برقرار است.

زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان داده‌اند اگر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان افزوده شود، سطح مشارکت اجتماعی آنان نیز ارتقا خواهد یافت. همچنین بین مشارکت اجتماعی و جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بین مشارکت اجتماعی و رشته تحصیلی ارتباط معنادار وجود دارد.

در تحقیق سبزه‌ای و رحیمی (۱۳۹۲) بین متغیرهای اعتماد فردی، اعتماد نهادی، جنس و مشارکت اجتماعی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت

مربوط به مردان و شاغلان است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که اعتماد نهادی و جنسیت، بیشترین میزان تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

### مبانی نظری

مشارکت اجتماعی، در معنای وسیع، در برگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت اجتماعی، فرایندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به‌عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش یا نقش‌های اجتماعی که به وی محول می‌شود و در قالب رفتارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بروز می‌کند (کردی، ۱۳۸۵: ۷۰).

گائوتری<sup>۱</sup> معتقد است تلاش برای مشارکت مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در همه سطوح است. همین تغییر امکان برقراری روابط انسانی و اجتماعی جدیدی را موجب می‌شود. در واقع، در قالب فرایند اجتماعی کردن و درونی کردن باید ارزش‌ها و ایده‌های مربوط به مشارکت را به‌طور عمیقی درونی و نهادی نمود. گائوتری معتقد است که مشارکت باید از درون جامعه برخیزد و از بیرون می‌تواند مورد حمایت قرار گیرد. برای درونی ساختن مشارکت باید از بنیادها و محمل‌های مشارکت غیررسمی که در جوامع وجود دارند، بهره گرفت (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۵).

علاوه بر این، مشارکت سنتی بر حسب عرف، عادت، سنت و مذهب به وجود می‌آید و میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش وجود دارد. مشارکت سنتی محصول گذشت سال‌های طولانی است و از گذشته در میان مردم وجود داشته، نسل‌به‌نسل ادامه پیدا کرده است. در این نوع مشارکت دولت هیچ نقشی در هدایت و سازماندهی امور ندارد و انجام تمامی کارها بر عهده مردم است. از سوی دیگر، در مشارکت جدید، محرکی افراد را به فعالیت و مشارکت می‌دهد. این محرک معمولاً از جانب سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف در قالب برنامه‌های خاص وارد



می‌شود (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۱).

مشارکت اجتماعی از چنان پیچیدگی برخوردار است که در مورد ابعاد و عوامل تأثیرگذار بر آن اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه شده است. از این‌رو، باید در نظر داشت که ارائه نظریه‌ای جامع و مانع که تمام عوامل را در نظر داشته باشد و بتواند همه ابعاد مشارکت را تبیین کند، کاری بس دشوار است. با وجود این، نظریه‌های فراوانی در زمینه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن ارائه شده است که به‌طور کلی، آن‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱) نظریه‌هایی که به عوامل درونی مؤثر بر مشارکت می‌پردازند (جدول ۱)؛ مطابق این نظریه‌ها، عوامل درونی بر نحوه عملکرد افراد در صحنه‌های اجتماعی و بویژه رفتارهای مشارکتی تأثیر می‌گذارند. از این دیدگاه، مشارکت نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود و با توجه به ویژگی ارادی و آگاهانه بودن کنش، افراد انسانی در رفتارهای خود عقلانی عمل می‌کنند و بر اساس قاعده‌ی منفعت اگر مشارکت در عملی برایشان مزیت داشته باشد، در آن شرکت می‌کنند. البته این ویژگی‌های شخصیتی را خانواده، مدرسه، رسانه و غیره در قالب جامعه پذیری به فرد منتقل می‌نمایند. این ویژگی‌های شخصیتی هم می‌تواند مانع توسعه و مشارکت باشد و هم به مشارکت و توسعه در جامعه‌ای کمک کند؛ ولی در این دسته نظریات بر آن ویژگی‌های ذهنی و شخصیتی تأکید می‌کنند که مانع مشارکت و توسعه می‌شوند و معتقدند که باید در این الگوهای ذهنی و شخصیتی، تغییراتی صورت گیرد تا زمینه برای مشارکت افراد فراهم شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که در این دسته از نظریه‌ها بر متغیرهای فردی تأکید می‌شود.

جدول ۱) آرای نظری مربوط به تأثیر عوامل درونی بر مشارکت اجتماعی

عوامل تأثیرگذار بر مشارکت	نظریه پرداز
انگیزه‌های اجتماعی (کوهی، ۱۳۸۲: ۴۲).	وبر <sup>۱</sup>
اعتماد، نوآوری، تقدیرگرایی، سطح آرزوها، خانواده‌گرایی، وابستگی به دولت، محلی‌گرایی، همدلی (موسوی، ۱۳۸۵: ۳۰۶-۳۰۴).	راجرز <sup>۲</sup>
گرایش‌های ذهنی، عام‌گرایی/خاص‌گرایی (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰؛ چلبی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).	پارسونز <sup>۳</sup>
انگیزه (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۲).	کلندرمن <sup>۴</sup>
قصد و نیت (سرگزی، ۱۳۸۱: ۲۷۸).	آیزن و فیش‌باین <sup>۵</sup>
خوداتکایی افراد (نیازی، ۱۳۸۱: ۷۱).	کومبز <sup>۶</sup>
احساس بی‌قدرتی (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۴۷).	اولسن <sup>۷</sup>
توازن شناختی (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۹).	هایدر <sup>۸</sup>
اثربخشی، اعتماد سیاسی، انتخاب عقلانی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱).	رابرت دال <sup>۹</sup>
ارزش و پاداش (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۵۰-۴۹).	هومنز <sup>۱۰</sup>

۲) نظریه‌هایی که به عوامل بیرونی مؤثر بر مشارکت توجه می‌کنند (جدول ۲)؛ این دسته از نظریه‌ها بر عواملی خارج از فرد و به عبارتی دیگر، بر -عوامل فرافردی- تأکید دارند.

1. Weber
2. Ragers
3. Parsons
4. Colenderman
5. Aysen & Fishen-bain
6. Combess
7. Olson
8. Hider
9. Robert Dall
10. Homans
11. Durkheim
12. Englehart
13. Mc Clark
14. Almond & Verba
15. Collin
16. Lipset

جدول ۲) آرای نظری مربوط به تأثیر عوامل بیرونی بر مشارکت اجتماعی

عوامل تأثیرگذار بر مشارکت	نظریه پرداز
انسجام اجتماعی (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳؛ کوهی، ۱۳۸۲: ۴۴؛ توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴).	دورکیم <sup>۸</sup>
تحصیلات، اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان، اعتماد (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).	اینگلهارت <sup>۹</sup>
کمیت و کیفیت شبکه تعاملات افراد (McClurg, 2003: 449-464).	مک کلارگی <sup>۱۰</sup>
فرهنگ سیاسی (حسین زاده، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۱).	آلموند و وربا <sup>۱۱</sup>
ساختار قدرت (صمدی راد، ۱۳۸۵: ۱۰۶).	کالین <sup>۱۲</sup>
تحصیلات، شغل، درآمد، سن، جنس، محل سکونت، وضعیت تأهل، فشار گروهی (سالاری، ۱۳۸۴: ۱۱۷).	لیپست <sup>۱۳</sup>
توسعه اقتصادی و اجتماعی، تحرک اجتماعی، عضویت سازمانی (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵)	هانتینگتون و نلسون <sup>۱</sup>
تحصیلات، فشار اجتماعی، سابقه سکونت، بومی بودن (توسلی، ۱۳۸۲: ۸۲).	دوز <sup>۲</sup>
رضایت یا عدم رضایت از زندگی (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۷).	گرونبرگ <sup>۳</sup>
قدرت (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۴).	نلسون و رایت <sup>۴</sup>
آموزش و یادگیری (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۴).	دکر <sup>۵</sup>
سرمایه اجتماعی (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۰۸).	پاتنام <sup>۶</sup>

۳) نظریه‌هایی که به عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر مشارکت توجه می‌کنند جدول ۳؛ در واقع این نظریه‌ها هم به عوامل فردی و هم به عوامل فرافردی توجه دارند.

1. Hantington & Nelson
2. Dose
3. Gronberg
4. Nelson & Right
5. Deker
6. Putnam
7. Kelly & Linger
8. Lerner
9. Milbrath & Guell

جدول ۳) آرای نظری مربوط به تأثیر عوامل درونی و بیرونی

نظریه پرداز	عوامل تأثیرگذار بر مشارکت
کلی و لینگر <sup>۷</sup>	ویژگی های شخصیتی، موقعیت کنترل، اثرگذاری سیاسی، جهت گیری فردگرایانه/جمع گرایانه، جایگاه اجتماعی (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).
لرنر <sup>۸</sup>	تحرك ذهنی، شهرنشینی، سواد، رسانه (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۰۷؛ سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۱۸).
گانوتری	حالات ذهنی و روانی، اراده سیاسی دولت، نهادهای اجتماعی (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۵؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).
میلبراث و گوئل <sup>۹</sup>	انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی های شخصیتی، محیط سیاسی (صبوری، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۶).

در پژوهش حاضر برای بررسی مشارکت اجتماعی به هر دو دسته عوامل درونی و بیرونی توجه شده است. در جدول ۴ متغیرهای مستقل مورد استفاده در این پژوهش مشاهده می شوند.

جدول ۴) متغیرهای مستقل مورد استفاده در پژوهش

متغیر	نظریه پرداز
عام گرایی / خاص گرایی	پارسونز
آینده گرایی	راجرز
سنت گرایی	راجرز
بی قدرتی	اولسن
انسجام اجتماعی	دورکیم
اعتماد اجتماعی	راجرز، دال و اینگلهارت
تحصیلات	اینگلهارت، دوز، لیپست

عام گرایی / خاص گرایی از نظریه پارسونز اقتباس شده است. از نظر پارسونز، مشارکت پدیده ای ذهنی است که برخاسته از افکار و عقاید و گرایش ها و فرهنگ مردم است. وی معتقد است که به دلیل جامعه پذیری و فرهنگ پذیری، مجموعه ای از قالب های پیش ساخته در ذهن افراد ایجاد شده است که بر رفتار و عملکرد آنان تأثیر می گذارد. وی از این قالب های پیش ساخته با عنوان -متغیرهای الگویی- یاد می کند. یکی از این الگوها الگوی عام گرایی / خاص گرایی است. در الگوی عام گرایی / خاص گرایی سطح عمل اجتماعی افراد مد نظر است و اینکه آیا در روابط اجتماعی خود بر اساس معیارهای کلی

برخورد می‌کنند یا بر اساس معیارهای خاص محلی و شخصی. به نظر پارسونز در جوامع مدرن، جهت‌گیری به سمت عام‌گرایی است؛ ولی در جوامع سنتی، جهت‌گیری به سمت خاص‌گرایی است. از نظر او «عام‌گرایی شرایطی است که در آن فرد بر مبنای معیارهای عملی که قابلیت تعمیم بر مجموعه‌ای از اشیا را داشته باشد، درباره یک شیء فیزیکی یا اجتماعی داوری می‌کند. در مقابل عام‌گرایی، خاص‌گرایی قرار دارد که کنشگر می‌تواند شیء را از لحاظ آنچه آن را خاص می‌کند و بر مبنای معیارهایی که فقط درباره آن شیء خاص و شرایط ویژه‌ای که درباره آن صدق می‌کند، داوری نماید» (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰). درواقع، «اگر روابط بین اشخاص با سوگیری خاص‌گرایانه و در محدوده گروه‌های اولیه باقی بماند، مانع برقراری رابطه میان‌گروهی خواهد شد» (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). بنابراین هرچه افراد جامعه‌ای رفتار عام‌گرایانه بیشتری داشته باشند، مشارکت افراد در امور اجتماعی، بویژه در نهادهای غیردولتی، بیشتر خواهد بود.

با استفاده از نظریه راجرز می‌توان به این نتیجه دست یافت که اگر جامعه‌ای سنت‌گرایی بیشتری داشته باشد، مشارکت اجتماعی در آن کمتر است. به‌علاوه میزان آینده‌گرایی کم‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز کم‌تر خواهد شد. درواقع، راجرز برای تبیین مشارکت بر ویژگی‌های فردی، روانی و انگیزشی تأکید نموده و معتقد است که از لحاظ روانی باید در افراد نوعی آمادگی برای پذیرش پدیده‌های جدید و تغییرهای نو وجود داشته باشد. به نظر او عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییر در جوامع می‌شوند و به تعبیری مانع تجدد، نوسازی و همچنین مشارکت هستند. برخی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی عبارت است از: ۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی؛ ۲- فقدان نوآوری؛ ۳- تقدیرگرایی؛ ۴- پایین بودن سطح آرزوها؛ ۵- عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی به امید منافع آتی؛ ۶- دیدگاه زمانی محدود؛ ۷- خانواده‌گرایی؛ ۸- محلی‌گرایی (موسوی، ۱۳۸۵: ۳۰۶-۳۰۴).

طبق نظریه اولسن، احساس بی‌قدرتی در افراد موجب کاهش فعالیت‌های مشارکتی می‌شود. در واقع، این نظریه، رابطه بین بی‌قدرتی و مشارکت سیاسی را بررسی می‌کند. با توجه به نظریه اولسن می‌توان گفت که هرچه افراد احساس ناتوانی بیشتری داشته باشند و تصور کنند که توانایی کنترل محیط خود را ندارند، کمتر در فعالیت‌های

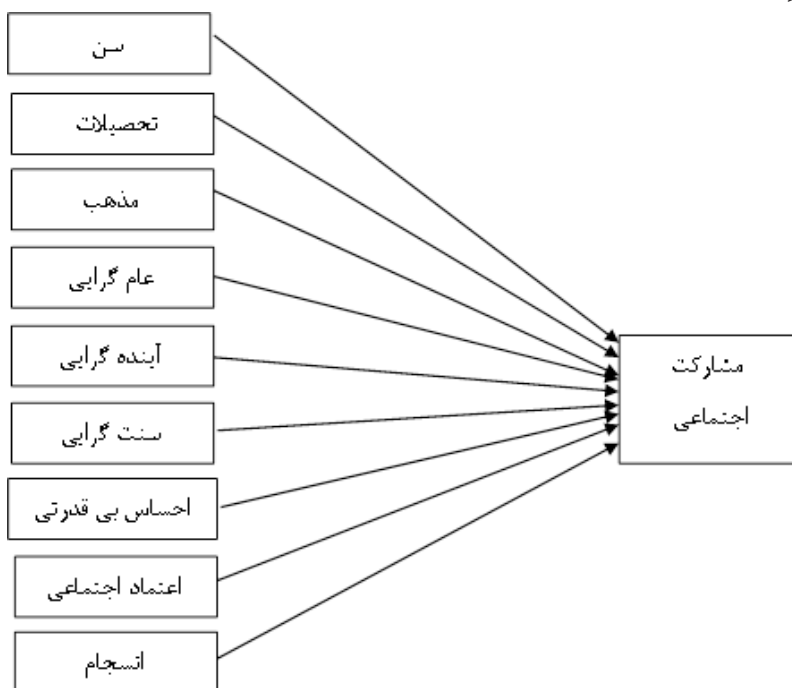
اجتماعی مشارکت خواهند کرد. «به نظر اولسن با افزایش ناتوانی، میزان مشارکت سیاسی کاهش می‌یابد» (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۷).

از نظر دورکیم، انسجام اجتماعی بیشتر، موجب تعامل اجتماعی بیشتر می‌شود. او معتقد است: «هرجا که این همبستگی نیرومندتر باشد بر میزان روابط متقابل میان افراد می‌افزاید و بر عکس، هرچه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد» (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). بنابراین، از دیدگاه دورکیم، همبستگی و انسجام اجتماعی زمینه مشارکت افراد در یک جامعه را فراهم می‌کند و هرچه یک جامعه منسجم‌تر و همبسته‌تر باشد، افراد آن جامعه راحت‌تر می‌توانند با یکدیگر تعامل و مشارکت داشته باشند. وی کاهش انسجام و در نتیجه، فقدان مشارکت را به ضرر جامعه و مسبب افزایش انحراف‌های اجتماعی در آن جامعه می‌داند. «طبق نظر دورکیم وجدان جمعی که مجموعه باورها و احساسات مشترک اعضای یک جامعه است، بدون مشارکت افراد در آن نمی‌تواند واقعیت یابد. از نظر او، فقدان مشارکت و عدم جذب و یکپارچه شدن افراد با جامعه، به افزایش میزان انحراف‌های اجتماعی می‌انجامد؛ بنابراین، راه‌حل کاهش انحراف‌های اجتماعی، توسعه سازمان‌هایی است که به احیای ادغام و مشارکت افراد کمک می‌کنند» (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴).

رابرت دال معتقد است که اعتماد افراد به اینکه در فرایند تصمیم‌گیری مؤثر خواهند بود و نیز اینکه فعالیت‌های آن‌ها اثر قابل توجهی در جامعه خواهد گذاشت، نقش مؤثری در مشارکت افراد در جامعه دارد. هرچه افراد احساس اثربخشی بیشتری داشته باشند و اعتماد بیشتری داشته باشند، مشارکت بیشتر و فعال‌تری خواهند داشت (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱). راجرز نیز بر اعتماد متقابل در روابط شخصی و تأثیر آن بر مشارکت تأکید دارد (موسوی، ۱۳۸۵: ۳۰۶). اینگلهارت نیز رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد متقابل از عوامل مؤثر بر مشارکت است؛ زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه، حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

لیپست در مورد تحصیلات و تأثیر آن بر مشارکت معتقد است «آموزش و تحصیلات حس وظیفه شهروندی، شایستگی، علاقه، مسؤولیت‌ها و التزام مدنی و اجتماعی را

افزایش می‌دهد و باعث تقویت ویژگی‌های شخصیتی نظیر اعتماد به نفس، احساس برتری، نظم و تشکل فکری می‌شود. کسانی که سواد بیشتری دارند، توانایی بهتر و بیشتری برای انتقال بینش و دانش اجتماعی به فرزندانشان دارند و بدین ترتیب رابطه تعلیم و تربیت و مشارکت را تداوم می‌بخشند» (سالاری، ۱۳۸۴: ۱۱۷). اینگلهارت و دوز نیز تحصیلات را در مشارکت اجتماعی مؤثر می‌دانند (توسلی، ۱۳۸۲: ۸۲؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳). افزون بر این، در این پژوهش رابطه مشارکت اجتماعی با دو متغیر زمینه‌ای سن و مذهب نیز سنجیده شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱) مدل تجربی تحقیق

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین عام‌گرایی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۳- بین آینده‌گرایی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.

- ۴- بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۵- بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۶- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۷- بین تحصیلات و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۸- بین مذهب و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.
- ۹- بین سن و مشارکت اجتماعی در شهرستان خواف رابطه وجود دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش پیمایش انجام گرفته است. جمعیت آماری تحقیق را همه افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله شهرستان خواف در سال ۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند که بر اساس برآوردهای جمعیتی از آخرین سرشماری تعداد کل آن‌ها ۵۵۴۰۵ نفر بوده است. از این‌رو، واحد تحلیل و واحد مشاهده در این پژوهش فرد است. برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۵٪، حجم نمونه ۳۸۰ نفر مشخص شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است و از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا شهر سلامی (شیعه‌مذهب) و نشتیفان (سنی‌مذهب) به دلیل اینکه از نظر ویژگی‌های فرهنگی و جمعیت‌شناختی به یکدیگر شباهت داشتند، انتخاب شدند. به همین دلیل، سهم هر شهر ۱۹۰ پرسشنامه بوده است. در مرحله ی بعد دو محله از شهر سلامی (که سه محله دارد) و دو محله از شهر نشتیفان که چهار محله دارد با استفاده از نقشه‌های شهرداری انتخاب شدند. در مرحله بعد با مراجعه پرسشگران به محله‌های مورد نظر و انتخاب افراد به صورت تصادفی اطلاعات جمع‌آوری شدند.

پایایی گویه‌ها، با مراجعه به آرای صاحب‌نظران و نیز انجام تحلیل عاملی، و آزمون پایایی گویه‌ها، با روش پایداری درونی و محاسبه آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> انجام گرفته است. نتایج یادشده بیان‌گر اعتبار و سطح بالای پایایی سنج‌ها هستند. نمای کلی آلفای



کرونباخ متغیرهای تحقیق در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵) پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
مشارکت اجتماعی	۳۸	۰/۸۴۹
اعتماد اجتماعی	۱۵	۰/۷۲۸
انسجام اجتماعی	۱۴	۰/۸۲۸
عام‌گرایی	۶	۰/۷۱۳
آینده‌گرایی	۵	۰/۵۶۷
سنت‌گرایی	۵	۰/۶۶۶
احساس بی‌قدرتی	۵	۰/۶۶۸

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

**مشارکت اجتماعی:** برای اندازه‌گیری مشارکت اجتماعی، مشارکت اجتماعی از چهار بُعد مد نظر قرار گرفته است:

۱) **مشارکت ذهنی:** منظور از مشارکت ذهنی، تمایل افراد به مشارکت اجتماعی است. راجرز و شومپتر<sup>۱</sup> مشارکت را نوعی درگیری ذهنی و عاطفی در موقعیت‌های گروهی می‌دانند. این درگیری، افراد را بر می‌انگیزد که برای دستیابی به هدف‌های گروهی همدیگر را یاری کنند و در مسؤولیت کار شریک شوند (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۴). برای سنجش مشارکت ذهنی از ۶ گویه ۵ درجه‌ای در مقیاس طیف لیکرت<sup>۲</sup> استفاده شده است و دامنه نمره طیف بین ۶ تا ۳۰ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

۲) **مشارکت غیررسمی سنتی:** مشارکت غیررسمی سنتی مشارکت ارادی، نامنظم و غیر سازمان‌یافته‌ی افراد است. در مشارکت غیررسمی سنتی، فعالیت افراد در اموری مد نظر است که سابقه بیشتری در زندگی جمعی انسان دارد و انسان در طول تاریخ همواره در چنین فعالیت‌هایی مشارکت داشته است. در این نوع مشارکت دولت هیچ

1. Schumpeter  
2. likert scale

نقشی در هدایت و سازماندهی امور ندارد و انجام تمام کارها بر عهده مردم است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۵۱). در این زمینه نگارندگان بیشتر جنبه‌هایی نظیر مشارکت‌های مذهبی و مناسکی، خیریه‌ای، تفریحی و محلی را در نظر گرفته‌اند. برای سنجش مشارکت غیررسمی سنتی از ۹ گویه ۶ درجه‌ای در مقیاس لیکرت استفاده شده است و دامنه نمره طیف بین ۰ تا ۴۵ است. سپس با کدگذاری مجدد نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

**۳) مشارکت غیررسمی جدید:** مشارکت غیررسمی جدید نیز ارادی، نامنظم و سازمان نیافته است؛ ولی اشکال جدید مشارکت را نیز در برمی‌گیرد و مربوط به دوره‌های اخیر زندگی انسان است (همانجا). در این نوع مشارکت، جنبه‌های سیاسی، محلی و فرهنگی مشارکت مد نظر بوده است. برای سنجش مشارکت غیررسمی جدید از ۹ گویه ۶ درجه‌ای در مقیاس لیکرت استفاده شده است و دامنه نمره طیف بین ۰ تا ۴۵ است. سپس با کدگذاری مجدد نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

**۴) مشارکت رسمی (مدنی):** در مشارکت رسمی بحث عضویت مطرح می‌شود؛ یعنی افراد در نهادها و سازمان‌ها عضو می‌شوند و به‌صورت منظم و سازمان‌یافته به فعالیت می‌پردازند. برای سنجش مشارکت رسمی از ۱۴ گویه ۲ شقی استفاده شده است و دامنه نمره‌ی طیف بین ۰ تا ۱۴ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

**سن:** سن با یک سؤال باز از سن افراد عملیاتی شده است.

**مذهب:** مذهب در سطح اسمی و با پرسش از مذهب دو گزینه‌ی شیعه یا سنی، عملیاتی شده است.

**تحصیلات:** سطح تحصیلات در مقیاسی ترتیبی و با پرسش از میزان تحصیلات در هفت سطح بی‌سواد، ابتدایی، سیکل، دیپلم، کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر عملیاتی شده است.

## اعتماد اجتماعی

به اعتقاد اوفه<sup>۱</sup>، اعتماد اجتماعی به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. این باور بر مبنای این احتمال است که دیگران، کارهای ویژه‌ای را انجام می‌دهند یا از انجام کارهای خاصی پرهیز می‌کنند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۱۱). به تعبیر فوکویاما<sup>۲</sup>، اعتماد انتظاری است که در اجتماعی منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی، خود را نشان می‌دهد. فوکویاما مدعی است که اعتماد، پایه اصلی نظم اجتماعی است (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۴). در این تحقیق اعتماد در سه سطح بررسی شده است:

**۱) اعتماد بین‌شخصی:** اعتماد بین‌شخصی در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد، موانع ارتباطی را از میان می‌برد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از روابط مؤثر را موجب می‌شود (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). در اینجا منظور از اعتماد بین‌شخصی، اعتماد افراد به نزدیکان و آشنایان و کسانی است که با آن‌ها تعامل بیشتری دارند این افراد شامل اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران می‌شود. برای سنجش اعتماد بین شخصی از یک مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت استفاده شده و دامنه نمره طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

**۲) اعتماد تعمیم‌یافته:** اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، بدون در نظر گرفتن تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد (همان: ۱۰۰). منظور از اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد افراد به کسانی است که نسبت به آن‌ها شناخت کاملی ندارند و در محیط جامعه با آن‌ها برخورد می‌کنند. این نوع اعتماد، عموماً غریبه‌ها را شامل می‌شود. برای سنجش اعتماد تعمیم‌یافته از یک مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت استفاده شده و دامنه نمره طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به‌دست آمده است.

**۳) اعتماد نهادی:** اعتماد نهادی نوعی اعتماد تعمیم‌یافته است که در آن فرد، اعتماد خود را به مسئولان نهادها و سازمان‌ها بیان می‌کند. برای سنجش اعتماد نهادی از یک

مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت استفاده شده و دامنه‌ی نمره‌ی طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

**انسجام اجتماعی:** منظور از انسجام اجتماعی، توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است. انسجام اجتماعی محصول پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکم تعامل میان افراد آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۱). در این تحقیق انسجام اجتماعی به دو بخش تقسیم شده است:

**۱) گرایش افراد نسبت به یکدیگر:** برای سنجش گرایش افراد نسبت به یکدیگر از ۸ گویه ۶ درجه‌ای در مقیاس لیکرت استفاده شده و دامنه‌ی نمره طیف بین ۰ تا ۴۰ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

**۲) میزان تعامل و نزاع بین افراد:** منظور از میزان تعامل و نزاع، نظر افراد در مورد میزان تعامل و نزاع اجتماعی در جامعه‌ی آنهاست. برای سنجش تعامل و نزاع بین افراد از ۶ گویه ۶ درجه‌ای در مقیاس لیکرت استفاده شده است. ۳ گویه مربوط به تعامل و ۳ گویه مربوط به نزاع است. دامنه‌ی نمره طیف بین ۰ تا ۳۰ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

**عام‌گرایی:** عام‌گرایی شرایطی است که فرد در آن بر مبنای معیارهای عملی که قابلیت تعمیم به مجموعه‌ای از پدیده‌ها را داشته باشد، درباره پدیده‌های مادی یا اجتماعی داوری و حکم می‌نماید (روشه، ۱۳۷۶: ۷۰). افراد عام‌گرا احساس تعلق خود را به افراد غیر عضو نیز بسط می‌دهند. آنها به هویت‌های شخصی و تفاوت‌های فردی بیشتر توجه دارند و به‌طور عمده بر اصول کلی مشترک تکیه می‌کنند (همان: ۸۲). برای سنجش عام‌گرایی از افراد خواسته شده است که به این پرسش پاسخ دهند: «اگر در انتخاباتی نظیر انتخابات مجلس یا شوراهای اسلامی شرکت کنید، تا چه اندازه نامزد خود را بر اساس معیارهای تعریف شده برای آنها انتخاب خواهید کرد». این متغیر با استفاده از ۶ گویه ۵ درجه‌ای در مقیاس لیکرت اندازه‌گیری شده است. دامنه‌ی نمره‌ی طیف بین ۶ تا ۳۰ است. سپس با کدگذاری مجدد نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمد.

**سنت گرایی:** منظور از سنت گرایی پذیرش الگوها و شیوه‌های سنتی زندگی و مقاومت در برابر تغییر و نوآوری می‌باشد. برای سنجش سنت گرایی از ۵ گویه ۵ درجه‌ای در مقیاس طیف لیکرت استفاده شده و دامنه نمره طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

**آینده گرایی:** منظور از آینده گرایی گرایش تفکر به آینده، چشم‌پوشی از منافع آنی به امید دستیابی به منافع درازمدت، پذیرش نوعی برنامه‌ریزی در زندگی و توجه به عامل زمان است (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). برای سنجش آینده گرایی از ۵ گویه ۵ درجه‌ای در مقیاس طیف لیکرت استفاده شده است. گویه‌ها از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری شده و دامنه‌ی نمره‌ی طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

**احساس بی‌قدرتی:** احساس بی‌قدرتی، باور فرد به این است که عمل او تأثیری بر تعیین مسیر وقایع سیاسی ندارد. در این حالت فرد به این باور می‌رسد که جامعه را گروه کوچک از افراد توانمند اداره می‌کنند که با وجود فعالیت یا عمل او همچنان قدرت خود را حفظ می‌کنند. فردی که چنین احساسی دارد، در مواردی کل فرایند سیاسی را توطئه‌ای مخفیانه می‌داند که هدف آن بهره‌برداری از مردم و بازی کردن با آنهاست (رضایی، ۱۳۷۵: ۶۲). در اینجا منظور از احساس بی‌قدرتی، احتمالی ذهنی است که بر طبق آن، فرد خود را فاقد توانایی لازم در برابر رویدادهای سیاسی و اقتصادی جامعه می‌داند. برای سنجش احساس بی‌قدرتی از ۵ گویه ۵ درجه‌ای در مقیاس طیف لیکرت استفاده شده و دامنه‌ی نمره‌ی طیف بین ۵ تا ۲۵ است. سپس با کدگذاری مجدد، نمره فرد در سطح ترتیبی به دست آمده است.

### یافته‌ها

اطلاعات توصیفی و توزیع فراوانی پاسخگویان برپایه‌ی ویژگی‌های فردی در جدول ۶ نشان داده شده است. ۵۰٪ پاسخگویان شیعه مذهب و ۵۰٪ آنان سنی مذهب هستند. از نظر تحصیلی نیز پاسخگویان در طیف وسیعی از بی‌سواد تا دکتری دربرمی‌گیرند؛ با وجود این، حدود ۷۷٪ از پاسخگویان تحصیلات دانشگاهی ندارند. از نظر سن، حدود ۶۲٪ پاسخگویان در بازه‌ی سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند.

جدول ۶) توزیع فراوانی پاسخگویان برپایه‌ی ویژگی‌های فردی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
تحصیلات	بی‌سواد	۲۵	۶/۱۶٪
	ابتدایی	۴۶	۱۲/۱٪
	سیکل	۹۰	۲۳/۷٪
	دیپلم	۱۳۱	۳۴/۵٪
	فوق دیپلم	۳۴	۸/۹٪
	کارشناسی	۴۸	۱۲/۶٪
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۶	۱/۶٪
سن	۱۵-۲۰	۳۶	۹/۵٪
	۲۰-۳۰	۱۳۵	۳۵/۵٪
	۳۰-۴۰	۱۰۰	۲۶/۳٪
	۴۰-۵۰	۶۸	۱۷/۹٪
	۵۰-۶۰	۴۱	۱۰/۸٪
مذهب	شیعه	۱۹۰	۵۰٪
	سنی	۱۹۰	۵۰٪

توزیع فراوانی پاسخگویان برپایه‌ی ابعاد متغیر وابسته، یعنی مشارکت اجتماعی، نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان در ابعاد "ذهنی" و "غیررسمی سنتی" زیاد و در ابعاد "غیررسمی جدید" و "رسمی" به ترتیب، متوسط و کم است. این نشان می‌دهد که بیشتر افراد از نظر ذهنی برای مشارکت آماده‌اند؛ اما موانع موجود در جامعه، باعث می‌شوند که افراد، مشارکت فعالی نداشته باشند. بنابراین با رفع موانع مشارکت،

افراد حضور گسترده‌تری در فعالیتهای اجتماعی خواهند داشت که این امر اهمیت پژوهش‌های اجتماعی درباره‌ی این موضوع را نمایان تر می‌کند. افزون بر این، جامعه مذکور مشارکت سنتی زیادی دارد. این امر از فرهنگ جامعه ایران برمی‌خیزد که در امور سنتی نظیر امور مذهبی، خیریه‌ای، تفریحی و مانند آن مشارکتی تر است. همچنین چون این نوع مشارکت در طول سال‌های متمادی وجود داشته و به صورت عرف و عادت درآمده است، افراد راحت تر به مشارکت در این امور می‌پردازند (جدول ۷).

جدول ۷) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی و ابعاد آن

جمع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳۸۰ ٪۱۰۰	۳۵ ٪۹/۲	۱۷۸ ٪۴۶/۸	۱۱۸ ٪۳۱/۱	۳۶ ٪۹/۵	۱۳ ٪۳/۴	مشارکت ذهنی
	۶۳ ٪۱۶/۶	۱۶۴ ٪۴۳/۲	۱۰۹ ٪۲۸/۷	۳۳ ٪۱۰	۶ ٪۱/۶	مشارکت غیررسمی سنتی
	۲۳ ٪۶/۱	۱۱۲ ٪۲۹/۵	۱۳۸ ٪۳۶/۳	۸۰ ٪۲۱/۱	۲۷ ٪۷/۱	مشارکت غیررسمی جدید
	۳ ٪۰/۸	۲۸ ٪۷/۴	۸۰ ٪۲۱/۱	۱۳۰ ٪۳۴/۲	۱۳۹ ٪۳۶/۶	مشارکت رسمی
	۹ ٪۲/۴	۱۳۱ ٪۳۴/۵	۱۸۴ ٪۴۸/۴	۵۵ ٪۱۴/۵	۱ ٪۰/۳	مشارکت اجتماعی (کل)

توزیع فراوانی در متغیرهای مستقل نشان‌دهنده‌ی موارد زیر است:

- اعتماد اجتماعی در جامعه‌ی آماری مورد نظر در حد متوسط است؛
- عام‌گرایی در جامعه آماری مورد نظر، پایین است و در نتیجه جامعه‌ای خاص‌گرا به شمار می‌رود؛
- آینده‌گرایی در جامعه‌ی آماری مورد نظر، متوسط است؛
- سنت‌گرایی در جامعه‌ی آماری مورد نظر، پایین است؛
- احساس بی‌قدرتی در جامعه‌ی آماری مورد نظر، پایین است؛
- انسجام اجتماعی در جامعه‌ی آماری مورد نظر، متوسط است.

جدول ۸) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل

جمع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳۸۰ ٪۱۰۰	۴ ٪۱/۱	۹۵ ٪۲۵	۲۱۱ ٪۵۵/۵	۱۷/۶۶ ٪۱۷/۶۶	۳ ٪۰/۱۸	اعتماد اجتماعی
	۱۳ ٪۳/۴	۶۱ ٪۱۶/۱	۱۲۷ ٪۳۳/۴	۱۳۲ ٪۳۴/۷	۴۷ ٪۱۲/۴	عام‌گرایی
	۲۳ ٪۶/۱	۹۱ ٪۲۳/۹	۱۳۳ ٪۳۵	۹۸ ٪۲۵/۸	۳۵ ٪۹/۲	آینده‌گرایی
	۱۸ ٪۶/۷	۶۲ ٪۱۶/۳	۱۴۱ ٪۳۷/۱	۱۲۰ ٪۳۱/۶	۳۹ ٪۱۰/۳	سنت‌گرایی
	۱۴ ٪۳/۷	۵۰ ٪۱۳/۲	۱۰۳ ٪۲۷/۱	۱۳۴ ٪۳۵/۳	۷۹ ٪۲۰/۱۸	احساس بی‌قدرتی
	۲۱ ٪۵/۵	۱۰۳ ٪۲۷/۱	۱۹۴ ٪۵۱/۱	۵۹ ٪۱۵/۵	۳ ٪۰/۱۸	انسجام اجتماعی

### رابطه مشارکت اجتماعی با سن، مذهب و تحصیلات

ضریب همبستگی پیرسون<sup>۱</sup> بین سن و مشارکت اجتماعی ۰/۱۷۷- است که رابطه‌ای متوسط را نشان می‌دهد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. جهت رابطه در این ضریب نشان می‌دهد که بین سن و مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معکوسی وجود دارد؛ یعنی اینکه با افزایش سن مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

برای بررسی تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب مذهب از آزمون مقایسه‌ی میانگین دو جامعه استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آن ۰/۷۸ شده است فرض صفر رد نمی‌شود و بنابراین تفاوتی بین دو جامعه وجود ندارد؛ ولی برای بررسی رابطه‌ی مذهب و مشارکت اجتماعی از ضریب همبستگی اتا<sup>۲</sup> استفاده شده است. هنگامی که مذهب، متغیر مستقل باشد، همبستگی بین مذهب و مشارکت اجتماعی ۰/۱۴ است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بسیار ضعیف آن‌هاست.

ضریب همبستگی تالابی‌کندال<sup>۳</sup> میان تحصیلات و مشارکت اجتماعی ۰/۲۲۵ است که رابطه‌ی متوسطی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. این رابطه در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار

1. peason  
2. eta  
3. Kendall



است. جهت رابطه در این ضریب، نشان می‌دهد که بین تحصیلات و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ یعنی اینکه با افزایش تحصیلات، مشارکت اجتماعی هم افزایش می‌یابد.

### رابطه مشارکت اجتماعی با اعتماد اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی، سنت‌گرایی، احساس بی‌قدرتی و انسجام اجتماعی

با توجه به اینکه همه این متغیرها با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند، برای بررسی رابطه آن‌ها با مشارکت اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۹ مشاهده می‌شود.

جدول ۹) ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و عوامل مذکور

مشارکت اجتماعی	مشارکت رسمی	مشارکت غیررسمی جدید	مشارکت غیررسمی سنتی	مشارکت ذهنی		
**۰/۲۴۹ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	*۰/۱۱۸ ۰/۰۲۲ ۳۸۰	*۰/۲۴۸ ۰/۰۱۳ ۳۸۰	**۰/۲۹۱ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	** ۰/۱۳۷ ۰/۰۰۷ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	اعتماد اجتماعی
**۰/۲۶۴ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	*۰/۱۶۵ ۰/۰۱۸ ۳۸۰	**۰/۲۷۹ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۲۱۵ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	۰/۰۶۱ ۰/۲۳۸ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	عام‌گرایی
**۰/۲۲۵ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	*۰/۱۲۵ ۰/۰۱۵ ۳۸۰	**۰/۲۲۵ ۰/۰۰۲ ۳۸۰	**۰/۲۳۴ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	** ۰/۱۵۲ ۰/۰۰۳ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	آینده‌گرایی
**۰/۳۰۰ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۲۷۴ ۰/۰۱۰ ۳۸۰	**۰/۲۹۹ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	*۰/۱۰۱ ۰/۰۴۹ ۳۸۰	**۰/۲۲۲ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	سنت‌گرایی
**۰/۲۷۹ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۲۳۷ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۳۶۲ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۱۳۲ ۰/۰۱۰ ۳۸۰	**۰/۲۵۷ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	احساس بی‌قدرتی
**۰/۳۸۶ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	-۰/۱۷۱ ۰/۱۷۰ ۳۸۰	**۰/۳۶۸ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	**۰/۳۷۹ ۰/۰۰۰ ۳۸۰	*۰/۱۲۶ ۰/۰۱۴ ۳۸۰	همبستگی معناداری جمع	انسجام اجتماعی

\*\*P<0/01    \*P<0/05

رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با همه انواع مشارکت اجتماعی معنادار شده است. ضریب پیرسون رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی ۰/۲۴۹ است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی متوسط بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در سطح معناداری ۹۵٪ است. بنابراین بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، رابطه‌ی مثبت و مستقیم در حد متوسط وجود دارد. بنابراین، با افزایش اعتماد اجتماعی افراد، میانگین مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

غیر از مشارکت ذهنی، رابطه‌ی عام‌گرایی با بقیه ابعاد مشارکت، معنادار شده است. ضریب پیرسون رابطه عام‌گرایی و مشارکت اجتماعی ۰/۲۶۴ است که رابطه‌ای مثبت، مستقیم و در حد متوسط را نشان می‌دهد و این رابطه را معنادار نموده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، رابطه عام‌گرایی با مشارکت غیررسمی جدید بیشتر از همه و مقدار آن ۰/۲۷۹ است. از این آماره‌ها چنین استنباط می‌شود که هر چه افراد، عام‌گراتر باشند، مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. جامعه‌ای که روح خاص‌گرایی بر آن حاکم باشد، با یکی از مشکلات جدی در راه تحقق توسعه مواجه است. پارسونز در بحث متغیرهای الگویی معتقد است که در جوامع مدرن، فضایی از عام‌گرایی حاکم است و همین امر در کنار سایر عوامل منجر به توسعه می‌شود؛ در حالی که در جوامع سنتی، خاص‌گرایی حاکم است. جدای مباحث نظری، باید افزود که عام‌گرایی در جامعه از اعتماد تأثیر می‌پذیرد و به همراه آن بر مشارکت تأثیر می‌گذارد. فردی که خاص‌گرا باشد، تنها به نزدیکان و آشنایان خود اعتماد می‌کند و دایره‌ی تنگی از اعتماد به افراد دارد؛ در حالی که فرد عام‌گرا شعاع این اعتماد را گسترش و آن را به حوزه‌ی غریبه‌ها هم تسری می‌دهد. در تفکر برخاسته از خاص‌گرایی، مشارکت معنایی ندارد؛ در حالی که امکان مشارکت گسترده برای افراد عام‌گرا بالاتر است.

رابطه آینده‌گرایی با همه ابعاد مشارکت معنادار است. ضریب پیرسون رابطه آینده‌گرایی با مشارکت اجتماعی ۰/۲۵۵ است که رابطه‌ای مثبت، مستقیم و متوسط را نشان می‌دهد. در نتیجه این رابطه معنادار است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، رابطه آینده‌گرایی با مشارکت غیررسمی سنتی بیشتر از همه و مقدار آن ۰/۲۳۴ است. از این آماره‌ها چنین استنباط می‌شود افرادی که آینده‌گرایی بیشتری دارند، مشارکت

اجتماعی آنان نیز بیشتر است. فرد آینده‌گرا توان تصمیم‌گیری بیشتری برای آینده خود دارد و مشارکت در امور اجتماعی را مفید ارزیابی می‌کند. بنابراین، در امور اجتماعی، فعال‌تر ظاهر می‌شود.

رابطه سنت‌گرایی با همه ابعاد مشارکت، معنادار است. ضریب همبستگی بین سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی ۰/۳۰- است که رابطه‌ای متوسط را نشان می‌دهد. در نتیجه این رابطه معنادار است. علامت منفی، نشان‌دهنده‌ی این است که بین سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه سنت‌گرایی افزایش یابد، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس، افرادی که سنت‌گرایی کمتری دارند بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. سنت‌گرایی یکی از موانع عمده تحقق مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، سنت‌گرایی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی سنتی دارد.

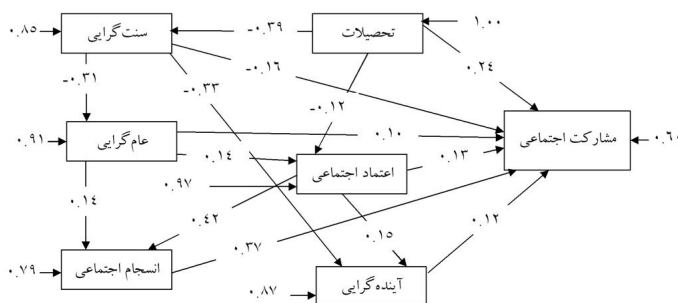
رابطه احساس بی‌قدرتی با همه‌ی ابعاد مشارکت، معنادار است. احساس بی‌قدرتی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی جدید دارد که مقدار آن ۰/۳۶۲- است. ضریب همبستگی بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی ۰/۲۷۹- است که رابطه‌ای متوسط را نشان می‌دهد. در نتیجه، این رابطه معنادار شده است. علامت منفی، نشان‌دهنده این است که بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه احساس بی‌قدرتی افزایش یابد، مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس افرادی که احساس بی‌قدرتی کمتری دارند، بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند. برای اینکه فردی در فعالیتی مشارکت جوید، باید این توانایی را در خود احساس کند که می‌تواند سهمی در امور داشته باشد. این احساس بیشتر به گذشته و محیط زندگی فرد برمی‌گردد. علاوه بر آن به تکرار مشارکت بستگی دارد. به همین دلیل افرادی که در فعالیت‌های بیشتری مشارکت می‌کنند، راحت‌تر می‌توانند در یک فعالیت اجتماعی دیگر ایفای نقش کنند.

رابطه میان انسجام اجتماعی و ابعاد مشارکت ذهنی، مشارکت غیررسمی سنتی و مشارکت غیررسمی جدید معنادار است؛ ولی رابطه‌ی میان انسجام اجتماعی و مشارکت رسمی، معنادار نشده است. از میان ابعاد مشارکت، انسجام اجتماعی بیشترین رابطه را

با مشارکت غیررسمی سنتی دارد و مقدار آن ۰/۳۷۹ است. ضریب پیرسون بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی ۰/۳۸۷ است که نشان دهنده رابطه‌ای مثبت، مستقیم و متوسط بین آنهاست. در نتیجه این رابطه معنادار شده است. بنابراین، هر چه انسجام در یک جامعه بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. کاهش انسجام نیز منجر به کاهش مشارکت اجتماعی می‌شود.

### مدل تحلیل مسیر مشارکت اجتماعی با استفاده از لیزرل<sup>۱</sup>

برای تدوین مدل تحلیل مسیر مشارکت اجتماعی، همه متغیرها وارد مدل شدند. اثر سه متغیر سن، مذهب و احساس بی‌قدرتی بر مشارکت معنادار نشده است؛ یعنی -قدرمطلق تی- و لیو<sup>۲</sup> آنها کمتر از ۱/۹۶ شده است- این سه متغیر در مدل ما تنها ۱٪ بر ضریب تبیین مدل می‌افزودند؛ (با مداخله همه عوامل، خطای تبیین ۰/۵۹ می‌شود؛ اما با حذف سه متغیر مذکور خطای تبیین ۰/۶۰ می‌شود). بنابراین آن‌ها از مدل تحلیل مسیر حذف شدند.



Chi-Square=۱۰.۶۰, df=۷, P-value=۰.۱۵۶۹۴, RMSEA=۰.۰۳۷  
 Goodness of Fit Index (GFI) = ۰.۹۹  
 Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = ۰.۹۷

### نمودار ۲) مدل تحلیل مسیر مشارکت اجتماعی

برای برآزش مدل از چند شاخص استفاده شده که اولین آن‌ها خی دو<sup>۳</sup> است. در این

1. lisrel
2. T-value
3. chi-square

مدل،  $\chi^2$  دو ۱۰/۶۰ شده است. معنادار نشدن مقدار پی-ولیو<sup>۱</sup> نشان از برازش خوب مدل است. اگر آن را بر درجه آزادی تقسیم کنیم، به عدد ۱/۵۱ می‌رسیم. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل بر اساس این شاخص خوب است. شاخص بعدی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد یا ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب موسوم به -RMSEA- است. در این مدل RMSEA برابر با ۰/۳۷ شده است که نشان می‌دهد برازش مدل خوب است. شاخص‌های بعدی، شاخص‌های نیکویی برازش (AGFI و GFI) هستند که در مقادیر آن‌ها این مدل به ترتیب ۰/۹۹ و ۰/۹۷ شده که نشان‌دهنده‌ی از برازش خوب هستند. بنابراین، با در نظر گرفتن مجموعه این شاخص‌ها می‌توان گفت که مدل تحلیل مسیر برای مشارکت اجتماعی مناسب بوده است.

از آنجا که مدل تحلیل مسیر از اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها، تشکیل شده است، این اثرهای مستقیم و غیرمستقیم و نیز اثر کل متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی در جدول ۱۰ نشان داده شده است. حاصل جمع اثر مستقیم و اثرهای غیرمستقیم، اثر کل آن متغیر بر مشارکت اجتماعی را به دست می‌دهد.

جدول ۱۰) اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی

متغیر	اثر مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثر کل	ضریب تعیین ( $R^2$ )
تحصیلات	۰/۲۴	$-۰/۳۹ \times -۰/۱۶ = ۰/۰۶۲$ $-۰/۱۲ \times ۰/۱۳ = -۰/۰۱۵$	۰/۲۸۷	۰/۰۸۲
سنت‌گرایی	-۰/۱۶	$-۰/۳۱ \times ۰/۱۰ = -۰/۰۳۱$ $-۰/۳۳ \times ۰/۱۲ = -۰/۰۳۹$	-۰/۲۳	۰/۰۵۲
آینده‌گرایی	۰/۱۲	-	۰/۱۲	۰/۰۱۴
انسجام اجتماعی	۰/۳۷	-	۰/۳۷	۰/۱۳۶
اعتماد اجتماعی	۰/۱۳	$۰/۱۵ \times ۰/۱۲ = ۰/۰۱۸$ $۰/۴۲ \times ۰/۳۷ = ۰/۱۵۵$	۰/۳۰۳	۰/۰۹۱
عام‌گرایی	۰/۱۰	$۰/۱۴ \times ۰/۱۳ = ۰/۰۱۸$ $۰/۱۴ \times ۰/۳۷ = ۰/۰۵۱$	۰/۱۶۹	۰/۰۲۸

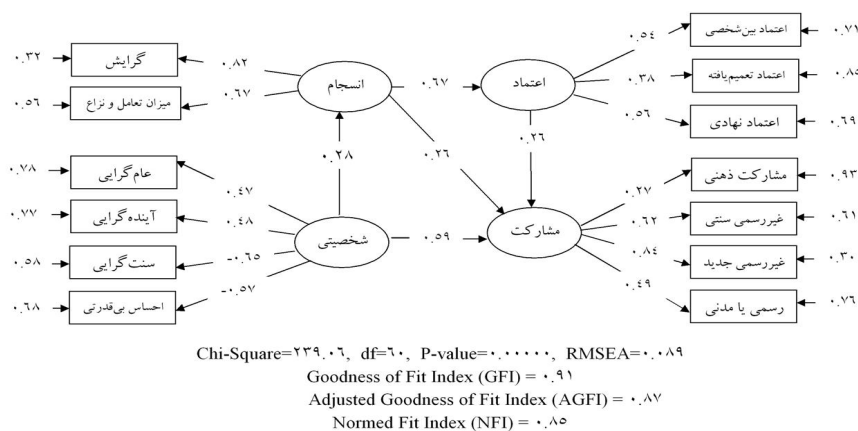
همان گونه که در جدول ۱۰ مشاهده می شود، با احتساب اثرهای مستقیم و غیرمستقیم، اثر اعتماد اجتماعی بر مشارکت تحصیلات، بیشتر شده است و بنابراین، با توجه به مدل تحلیل مسیر، انسجام و اعتماد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارند. همچنین اگر اثرهای کل توان دو برسند، ضریب تعیین هر متغیر به دست می آید. جمع کردن ضریب تعیین ها، برای کل متغیرهای مستقل تحقیق، ضریب تعیین  $0/403$  به دست می آید. بنابراین، متغیرهای مستقل توانسته اند با استفاده از مدل تحلیل مسیر  $40\%$  از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و  $60\%$  دیگر مربوط به عواملی غیر از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است.

### مدل معادله ساختاری مشارکت اجتماعی با استفاده از لیزرل

متغیرهای زمینه ای یکی از متغیرهای آشکار محسوب می شوند و در مدل معادله ساختاری، تنها متغیرهای پنهان قابل استفاده هستند. بنابراین، در این مدل، تنها از متغیرهای شخصیتی، اعتماد و انسجام استفاده می شود. بر همین اساس در مدل مبنای این تحقیق، فرض این است که متغیرهای شخصیتی بر اعتماد و انسجام تأثیر می گذارند و همچنین اعتماد و انسجام با همدیگر رابطه متقابل دارند و در نهایت همه این متغیرها بر مشارکت اجتماعی تأثیر می گذارند.

پس از اجرای مدل، تأثیر متغیرهای شخصیتی بر اعتماد اجتماعی و نیز تأثیر اعتماد اجتماعی بر انسجام اجتماعی معنادار نشد؛ اما سایر رابطه ها معنادار شده است. شاخص های برازش مدل نشان می دهد که مدل، برازش قابل قبولی دارد. مقدار  $\chi^2$  دو  $239/06$  شده که چون پی-ولویو زیر  $0/05$  است،  $\chi^2$  دو معنادار شده. تقسیم آن بر درجه آزادی  $3/9$ ،  $-60$  می رسیم که نشان می دهد برازش مدل، متوسط است. همچنین مقدار RMSEA برابر با  $0/089$  است که با توجه به تعریفی که قبلاً بیان شد، در حد متوسط است. GFI برابر با  $0/91$  شده است که حاکی از برازش خوب مدل است و همچنین AGFI برابر با  $0/87$  شده است که نشان می دهد برازش مدل در حد قابل قبول است. همچنین NFI (شاخص برازندگی نرم شده)  $0/85$  شده که نشان می دهد برازش مدل در حد قابل قبولی است. بنابراین، به طور کلی برازش مدل در حد متوسط است. نمودار ۳

مدل معادلات ساختاری نهایی تحقیق را نشان می‌دهد.



نمودار ۳) مدل نهایی معادله ساختاری مشارکت اجتماعی

### نتیجه‌گیری

پژوهشگران مشارکت اجتماعی را به ابعاد مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. در این تحقیق نگارندگان این تقسیم‌بندی‌ها را در قالب چهار بعد کلی مشارکت ذهنی، مشارکت غیررسمی سنتی، مشارکت غیررسمی جدید و مشارکت رسمی یا مدنی گنجانده‌اند. از میان این ابعاد، مشارکت رسمی کم‌ترین میانگین و مشارکت غیررسمی سنتی بیشترین میانگین را داشته است. میانگین مشارکت اجتماعی و نیز ابعاد آن کمی بیشتر از متوسط است و می‌توان نتیجه گرفت مشارکت اجتماعی در جامعه آماری مورد نظر در حد متوسط است. به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران، جامعه ایران در امور سنتی نظیر امور مذهبی، خیریه‌ای و مانند آن مشارکت‌جو هستند و در امور جدید نظیر نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی نامشارکت‌جو هستند. این در جامعه آماری مورد نظر هم صدق می‌کند؛ به طوری که مشارکت غیررسمی سنتی بیشترین میزان و مشارکت رسمی و غیررسمی جدید مقادیر کم‌تری را به خود اختصاص داده است.

از میان متغیرهای زمینه‌ای، اختلاف مذهب در مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری ایجاد نمی‌کند و رابطه آن نیز با مشارکت معنادار نشده است. کردی (۱۳۸۵) در تحقیقی به نتیجه مشابه رسیده است و در تحقیق وی نیز نوع مذهب سبب نگرش متفاوت به

مشارکت نشده است.

رابطه بین مشارکت اجتماعی، سن و تحصیلات معنادار شده است و مشارکت اجتماعی بر اساس متغیر سن و تحصیلات تفاوت معناداری داشته است.

اعتماد اجتماعی از سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی بررسی شده است. میانگین اعتماد بین شخصی بیش از میانگین دو بعد دیگر اعتماد بوده است. رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، معنادار شده است. همچنین رابطه اعتماد اجتماعی با همه ابعاد مشارکت اجتماعی نیز معنادار شده است. از میان ابعاد مشارکت، اعتماد اجتماعی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی سنتی داشته است. دهقان و غفاری (۱۳۸۴) در تحقیق خود به نتیجه مشابهی رسیدند. در تحقیق آن‌ها بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است، آن‌ها اعتماد را در قالب دو بعد اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی سنجیده‌اند که رابطه هر دو بعد با مشارکت اجتماعی معنادار بوده است. همچنین از کیا و غفاری (۱۳۸۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد ایشان نیز اعتماد را در قالب اعتماد به افراد و اعتماد به نهادها سنجیده‌اند که با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری داشته است. همچنین نتایج پژوهش‌های موسوی (۱۳۸۵)، نیازی (۱۳۸۱) و غفاری (۱۳۸۰) نشان می‌دهند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

رابطه عام‌گرایی و مشارکت اجتماعی معنادار شده است. همچنین رابطه عام‌گرایی با سه بُعد مشارکت اجتماعی، شامل: غیررسمی سنتی، غیررسمی جدید و رسمی، معنادار شده است؛ ولی رابطه آن با بُعد مشارکت اجتماعی - ذهنی - معنادار نشده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، عام‌گرایی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی جدید داشته است. دهقان و غفاری (۱۳۸۴) در تحقیق خود به نتیجه مشابهی رسیده و در آن بین عام‌گرایی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است. در پژوهش‌های نیازی (۱۳۸۱) و غفاری (۱۳۸۰) بین خاص‌گرایی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

رابطه آینده‌گرایی و مشارکت اجتماعی، معنادار شده است. همچنین رابطه آینده‌گرایی با همه ابعاد مشارکت اجتماعی نیز معنادار شده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی،



آینده‌گرایی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی سنتی داشته است. دهقان و غفاری (۱۳۸۴) و نیازی (۱۳۸۱) در تحقیق خود به نتیجه مشابهی رسیده و بین آینده‌گرایی و مشارکت اجتماعی رابطه دیده‌اند.

رابطه سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی، معنادار و منفی شده است. همچنین رابطه سنت‌گرایی با همه ابعاد مشارکت اجتماعی نیز معنادار و منفی شده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، سنت‌گرایی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی سنتی داشته است. در تحقیق شادی‌طلب و کمالی (۱۳۸۱) پیوند خانواده با سنت‌ها بر مشارکت اجتماعی تأثیر معناداری داشته است. در پژوهش نیازی (۱۳۸۱) نیز بین سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

رابطه احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی معنادار و منفی شده است. همچنین رابطه احساس بی‌قدرتی با همه ابعاد مشارکت اجتماعی نیز معنادار و منفی شده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، احساس بی‌قدرتی بیشترین رابطه را با مشارکت غیررسمی جدید داشته است. یزدان‌پناه (۱۳۸۶) در تحقیق خود پیرامون موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی به نتیجه مشابهی رسیده و در تحقیق وی بین بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

رابطه انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، معنادار شده است. همچنین رابطه انسجام اجتماعی با سه بُعد مشارکت اجتماعی، شامل -مشارکت اجتماعی غیررسمی سنتی، غیررسمی جدید، و ذهنی- معنادار شده است؛ ولی رابطه آن با مشارکت اجتماعی رسمی معنادار نشده است. از میان ابعاد مشارکت اجتماعی، بیشترین رابطه را انسجام اجتماعی با مشارکت غیررسمی سنتی داشته است. از کیا و غفاری (۱۳۸۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد ایشان انسجام را در قالب گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی بین آن‌ها و میزان نزاع بین آن‌ها سنجیده‌اند که با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری داشته است. در پژوهش‌های نیازی (۱۳۸۱) و غفاری (۱۳۸۰) بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

در رگرسیون چندمتغیره اثر مذهب، سن و احساس بی‌قدرتی بر مشارکت اجتماعی معنادار نشده است. انسجام اجتماعی و تحصیلات بیشترین تأثیر و مذهب و احساس بی‌قدرتی کم‌ترین تأثیر را داشته‌اند. در این تحقیق، متغیرهای مستقل ۳۱٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده است. در مدل تحلیل مسیر که با نرم افزار لیزرل رسم شده است، اثرهای مستقیم و غیرمستقیم اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، عام‌گرایی، آینده‌گرایی، سنت‌گرایی و تحصیلات توانسته‌اند ۴۰٪ از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین کنند. همچنین برازش مدل تحلیل مسیر در حد خوب بوده است. در مدل معادلات ساختاری، از میان رابطه‌هایی که در مدل مبنا ترسیم شده بود، تأثیر متغیرهای شخصیتی بر اعتماد اجتماعی و تأثیر اعتماد اجتماعی بر انسجام اجتماعی معنادار نبوده است و بنابراین از مدل حذف شدند و مدلی نهایی این تحقیق برازشی در حد متوسط داشته است.

نهایتاً باید گفت هر مسأله‌ای نیاز به راه‌حل نیز دارد. از این‌رو با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد کرد:

- با توجه به اینکه در این تحقیق بین سن و مشارکت اجتماعی، رابطه معکوس وجود داشت و همچنین از آنجا که بیشتر جمعیت شهرستان را جوانان تشکیل می‌دهند، پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به گروه‌های سنی پایین‌تر، بویژه جوانان، شود و از مشارکت آنان به‌عنوان یک فرصت برای پیشرفت استفاده شود. این امر مستلزم برنامه‌ریزی مدون و دقیق و بها دادن به خواست‌های جوانان است.
- با توجه به اینکه در این تحقیق بین تحصیلات و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است، روشن است که بالا بردن سطح سواد جامعه تأثیر مثبتی بر مشارکت اجتماعی خواهد داشت.
- از آنجا که رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در این تحقیق تأیید شد، پیشنهاد می‌شود برای افزایش اعتماد اقدامات مؤثری، بویژه در مورد اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی، صورت پذیرد و به اعتماد بین شخصی هم توجه شود.
- از آنجایی که سطح اعتماد بین شخصی بالا بوده است، پیشنهاد می‌شود از این امر به‌عنوان یک فرصت استفاده و به دنبال آن تلاش شود تجربه‌هایی نظیر سازمان‌های

غیردولتی و نیز شرکت‌های تعاونی و مانند آن از سطوح خرد جامعه مانند خانواده، خویشاوندان، دوستان و مانند آن شروع و پس از طی یک دوره زمانی به سطوح کلان روابط اجتماعی نیز آورده شود. این اقدام ضمن این که موانع تحقق این گونه اقدام‌ها را برمی‌دارد، حرکت و اشاعه آن را نیز سرعت می‌بخشد.

- همان‌طور که نتایج تحقیق نشان داد، با توجه به اینکه جامعه خواف جامعه‌ای خاص‌گرا است، پیشنهاد می‌شود اقدام‌هایی نظیر آموزش برای افزایش سطح عام‌گرایی افراد انجام شود. افزون بر این از وضع موجود به‌عنوان یک فرصت استفاده و برای جذب افراد در گروه‌های مشارکتی برخاسته از خویشاوندان، دوستان، همشهریان و هم‌مذهب‌ها تلاش شود.

- با توجه به اینکه در این تحقیق بین سنت‌گرایی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است، پیشنهاد می‌شود اقدام‌هایی در زمینه کاهش روحیه سنت‌گرایی و نیز روحیه قدرگرایانه افراد و به دنبال آن افزایش سطح پذیرش افکار و تفکرات علمی و منطقی انجام شود.

- با توجه به اینکه در این تحقیق بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است، پیشنهاد می‌شود اقداماتی در زمینه کاهش احساس بی‌قدرتی و توانمندسازی افراد جامعه انجام شود. برای این کار باید از تشکیل گروه‌های قدرت در جامعه جلوگیری و برای رفع مشکلات مردم تلاش شود.

- با توجه به اینکه در این تحقیق بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته است، پیشنهاد می‌شود برای افزایش انسجام اجتماعی، اقدام‌هایی انجام شود. همان‌طور که نتایج تحقیق نشان دادند، میزان تعامل در جامعه آماری مورد نظر بالا بوده است و این سطح از تعامل با کمی دقت نظر و تلاش می‌تواند فرصتی مناسب برای افزایش مشارکت اجتماعی باشد.

- پیشنهاد می‌شود با ایجاد زمینه‌های مناسب، شرایط افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی در جامعه فراهم شده و از سخت‌گیری‌های بی‌دلیل و نیز از ایجاد روندهایی اداری عریض و طویل اجتناب شود.

## منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰ الف). "بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان". *نامه علوم اجتماعی*، دوره نهم، ش ۱۷ (تابستان): ۳-۳۱.
- ----- (۱۳۸۰ ب). "بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستائیان در نواحی روستایی شهرستان کاشان". *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، ش ۳۶ (تابستان): ۱۷۵-۲۰۵.
- ----- (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- اوجاقلو، سجاد؛ زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۴). "بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنین شهر زنجان". *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، ش ۴ (تابستان): ۹۲-۱۲۵.
- اوکلی، پیتر؛ مارسدن، دیوید (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمودنژاد. تهران: نشر ارغنون با همکاری مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: سلام.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). *مبانی مفهومی و نظری مشارکت روستایی*. تهران: وزارت کشاورزی (مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی).
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: مردنیز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک*. تهران: دانشگاه تهران.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۲). "عوامل اصلی در فرایند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن". *علوم اجتماعی*، سال هفتم، ش ۲۲

- (تابستان): ۱۰۳-۱۳۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نی.
  - حسین‌زاده، علی حسین (۱۳۸۵). "بررسی تطابق تأثیر عوامل اجتماعی- سیاسی بر مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲-۱۳۵۸)". پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
  - دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). "تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران". *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، ش ۱ (بهار): ۶۷-۹۸.
  - رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). "مشارکت اجتماعی هدف یا ابزار توسعه". *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال سیزدهم، ش ۱۰۹ و ۱۱۰ (پاییز): ۵۴-۶۳.
  - رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). *سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی*. تهران: نشر ارغنون با همکاری مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
  - روشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: تبیان.
  - زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱). "بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد". *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۷-۶۹.
  - ساروخانی، باقر؛ امیرپناهی، محمد (۱۳۸۵). "ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی". *پژوهش زنان*، سال چهارم، ش ۳ (پاییز): ۳۱-۶۰.
  - سالاری، تهمتن (۱۳۸۴). "بررسی عوامل فردی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان". *پژوهشگران فرهنگ*، سال سوم، ش ۱۱ (پاییز): ۱۱۰-۱۳۲.
  - سبزه‌ای، محمدتقی؛ رحیمی، پرویز (۱۳۹۲). "بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان)". *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره دوم، ش ۱ (بهار): ۷۱-۹۱.

- سرگزی، حسینعلی (۱۳۸۱). مشارکت و نهادهای مردمی. تهران: آثار.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی. تهران: سمت.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: قومس.
- شادی‌طلب، ژاله؛ کمالی، افسانه (۱۳۸۱). "مشارکت اجتماعی زنان". زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره یکم، ش ۴ (زمستان): ۲۶-۵۲.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سخن.
- صمدی‌راد، انور (۱۳۸۵). "مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی". رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۲۱ (بهار): ۹۹-۱۲۱.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۷). "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)". پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، ج اول. تهران: سازمان شهرداری‌ها.
- علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد؛ شیبانی، ملیحه (۱۳۸۸). "اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)". مجله جامعه‌شناسی ایران، سال دهم، ش ۲ (تابستان): ۱۰۹-۱۳۵.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). "دولت و مشارکت اجتماعی روستائیان در کشورهای در حال توسعه؛ با تأکید بر ایران". اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، ش ۳۵ (پاییز): ۲۵۷-۲۸۴.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: کویر.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). "بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کاشان)". فصلنامه روستا و توسعه، سال هشتم، ش ۴ (زمستان): ۷۹-۱۱۲.

- کردی، حسین (۱۳۸۵). "عوامل مؤثر بر نگرش زنان به مشارکت اجتماعی در استان گلستان". *بیک نور*، سال پنجم، ش ۱ (بهار): ۸۰-۶۹.
- کوهی، کمال (۱۳۸۲). "سنجش میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستائیان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: روستاهای شهر ورزقان)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تبریز.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). "تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی)". *رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۱۹ (پاییز): ۳۰۱-۳۲۷.
- نیازی، محسن (۱۳۸۱). "تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهر کاشان سال ۱۳۸۰". *رساله دکترای جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- نوروزی، فیض‌الله؛ بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). "مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن". *راهبرد*، سال هجدهم، ش ۵۳ (تابستان): ۲۴۹-۲۶۹.
- یزدان‌پناه، لیلیا (۱۳۸۶). "موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی". *رفاه اجتماعی*، سال هفتم، ش ۲۶ (پاییز): ۱۰۵-۱۲۰.
- Castro, R. d. (2001). "Cities and Social Participation: Social Inequalities from Children,s and Youth,s Point View". *International Journal of Anthropology*, Vol. 16, No. 2-3: 77-87.
- Couton, P; Gaudet, S. (2008). "Retinking Social Participation: Case of Immigrants in Canada". *Journal of International Migration and Integration*, Vol. 9, No. 1: 21-44.
- Ingen, E. (2008). "Social Participation Revisited". *Acta Sociologica*, Vol. 51, No. 2: 103-121.
- Lee, H. Y; et al. (2008). "The relationship between social participation and self-rated health by sex and age". *International Journal of Nursing Studies*, Vol. 45, No. 7 :1042-1054.
- Mcclurg, S. (2003). "Social Networks and Political Participation:

the Role of Social Interaction in Explaining Political Participation”.  
*Political Reserch Quarterly*, Vol. 56, No. 4: 449-464.